

۳۰۲ ◀ در کدام ابیات مفهوم «تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد.» یافت می‌شود؟ (قلم‌چی-۹۳)

الف) اشکنش چکید و دیگرش آن آبرو نبود
ب) دل ریمده به تدبیر بر نمی‌گردد
ج) اگر چه در دلم از ترکش است افزون تیر
د) برون آمد ز لب چون حرف، دیگر بر نمی‌گردد
ه) کنون رفته آن تیر از شست ما
و) اختلافی نیست در شست و کمان و تیر، لیک
۱) الف، ب، ج، د ۲) و، ج، د، الف ۳) ب، د، ه، الف ۴) الف، ب، د، و

۳۰۳ ◀ بیت زیر با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
من جلوه‌ی شباب ندیدم به عمر خویش
۱) زین بخت نا به سامان کامی نیافت «خسرو»
۲) یارب اندر حال پیری دست گیرم سوی رحمت
۳) افسوس که ایام جوانی بگذشت
۴) جوانی نکودار، کاین مرغ زیبا

۳۰۴ ◀ عبارت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟
«اگر چنان بودی که آن کودک بدان نان تهی قناعت کردی و طمع از حلوی او برداشتی، وی را سگ هم چون خویشتنی نپایستی بود.»

۱) حلاوت ندارد شکر در نیش
۲) لقمه‌ی تلخ قناعت ز جهان، قوت تو بس
۳) حرص توست این که همه چیز تو را نایاب است
۴) تا نگرید کودک حلوا فروش

۳۰۵ ◀ مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دورتر است؟
۱) اگر ز دست بلا بر فلک رود بدخوی
۲) سگ به دریای هفتگانه بشوی
۳) دود اگر بالا نشیند، کسر شأن شعله نیست
۴) نه هر که صدرنشین شد عزیز شد، که غبار

۳۰۶ ◀ در همه‌ی ابیات، به جز بیت مفهوم سخن «تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد» آمده است.

۱) نه عمر رفته دگر باره آید اندر دست
۲) رم دادن صید خود از آغاز غلط بود
۳) ز شست صدق گشادم هزار تیر دعا
۴) مرغ وحشی که رفت بر دیوار

۳۰۷ ◀ کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟
۱) اگر فلک به تو روزی دو، دوستی ورزد
۲) ملکی که منتقل شود از دیگری به تو
۳) گرت دانشی هست معنی طلب
۴) بدین اقبال یک هفته که بفرزاید مشو غره

۳۰۸ ◀ مفهوم کدام بیت متفاوت با دیگر گزینه‌هاست؟
۱) بگریزند ز مردم که در این وحشتگاه
۲) خلق از ما می‌گریزد هم‌چو تیر
۳) گر می‌گریزم از نظر مردمان، رهی
۴) جز صراحی و کتابم نبود یار و ندیم

گزینده‌ی دو-۹۳

از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام
بر باد آرزو شد سرمایه‌ی جوانی
کز جوانی کردم این آشفنگی، آه از جوانی
دوران نشاط و کامرانی بگذشت
نماند در این خانه‌ی استخوانی

گزینده‌ی دو-۹۳

چو باشد تقاضای تلخ از پیش
بهر حلوی کسان کفچه مکن دست طمع
آز کم کن تو که نرخ همه ارزان گردد
دیگ بخشایش نمی‌آید به جوش

گزینده‌ی دو-۹۳

ز دست خوی بد خویش در بلا باشد
که چو تر شد پلیدتر باشد
جای چشم ابرو نگیرد، گر چه او بالاتر است
اگر به دیده رسد توتیا نخواهد شد

گزینده‌ی دو-۹۳

نه تیر چون ز کمان جست آید اندر شست
حالا که رماندی و رمیدیم، رمیدیم
ولی چه سود یکی کارگر نمی‌آید
که تواند گرفت دیگر بار

قلم‌چی-۹۵

مباش غره و افسون از این عجزه مخور
بر وی مباش غره که بی‌انتقال نیست
به صورت مشو غره کان هیچ نیست
که چون ماه دوهفته است آن کز افزونی است نقصانش

قلم‌چی-۹۵

فتح از آن است که از خلق گریزان باشد
دور افتادم من از بُرنا و پیر
عیبم مکن که آهوی مردم ندیده‌ام
تا حریفان دغا (ناراست) را به جهان کم بینم

۳۰۹ بیت «ما را سر و سودای کس دیگر نیست / در عشق تو پروای کس دیگر نیست» با کدام عبارت تناسب مفهومی ندارد؟

(قلمچی-۹۵)

- (۱) الهی، جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده.
- (۲) الهی، خود را از همه به تو وابستم، اگر بداری تو را می‌پرستم.
- (۳) الهی، هر چند از بد سزای خویش به دردم، از مفلس‌نوازی تو شادم.
- (۴) الهی، تا به تو آشنا شدم از خلق جدا شدم و در هر دو جهان شیدا شدم.

(قلمچی-۹۵)

کس نیست که این گوهر تحقیق نسفت زان روی که هست کس نمی‌داند گفت در جمع کمال شمع اصحاب شدند گفتند فسانه‌های و در خواب شدند هر کس به مراد خویش یک تک بدون رفتند و رویم دیگر آیند و روند اسباب تردد خردمندان اند کآنان که مدبّرند، سرگردان‌اند

(قلمچی-۹۵)

که گرد خاطر هر کس ز رهگذار خود است کز آب خود شده است گره سخت‌تر مرا که این مقدم از اینزد قدیر آمد من به خون خویش پروردم بالای جان خویش

(قلمچی-۹۵)

چشم کور است و گوش کر چه کنیم؟
منهش نام کالانعام کزان هست اضل (گمراه‌تر)
مرغ عاشق طرب‌انگیز بود آوازش
که نبودش اثری از دلپذیری آواز
جان او از ذوق عشق آگاه نیست
ز حیوان کم نشاید بودن ای دل
(۳) الف، ب، ج (۴) د، ج، الف

(قلمچی-۹۵)

دریغ کز شبی چنین سپیده سر نمی‌زند
که کشت این باد محنت‌زاه، چراغ ساحل ما را
نه چون گوسفندان مردم درید
ز پای خویش این بندگان را بیشتر واکن
هم‌چون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام
هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم
وگرنه بر درخت تر، کسی تبر نمی‌زند
فرجام به جز سوختش نیست سزاوار

(گزینده‌ی دو-۹۵)

که جان بیازم و حاصل کنم رضای شما
کس را گذر از قضا نباشد
جز دم تسلیم اینجا لنگری در کار نیست
دلبر! من دفع حکم آسمانی چون کنم

۳۱۰ مفهوم کدام رباعی با بقیه متفاوت است؟

- (۱) این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت هر کس سخنی از سر سودا گفتند
- (۲) آنان که محیط فضل و آداب شدند ره زمین شب تاریک نبردند برون
- (۳) آن‌ها که کهن شدند و این‌ها که نوند این کهنه جهان به کس نماند باقی
- (۴) اجرام که ساکنان این ایوان‌اند هان تا سررشته‌ی خرد گم نکنی

۳۱۱ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) مرا ز بهر چه بر دل غبار کسی
- (۲) از هیچ کس مرا گله‌ای نیست چون گهر
- (۳) ولی شکایاتم از دست روزگار خطاست
- (۴) از خیال او چه نالم رفت چون کارم ز دست

۳۱۲ کدام ابیات با هم قرابت مفهومی دارند؟

- (الف) همه عالم جمال و آواز است
- (ب) هر که از ذکر جمالت چو جمل رقص نکرد
- (ج) مطرب ما را دردی است که خوش می‌نالد
- (د) به نزد عقل ز حیوان کم است، انسانی
- (و) هر که را خوش نیست با اندوه تو
- (ه) به صوت خوش چو حیوان است مایل
- (۱) ب، ه د (۲) ب، و، ج

۳۱۳ ابیات کدام گزینه با هم قرابت مفهومی ندارند؟

- (۱) نشست‌ام در انتظار این غبار بی‌سوار
- (۲) دگر زین بحر طوفان خیز، امید رستگاری نیست
- (۳) سر گریه باید هم اول برید ندارد سیل بی‌نهار، رحمت بر گران‌خوابان
- (۴) با یاد رنگ و بوی تو ای نوبهار عشق هر چند پیر و خسته‌دل و ناتوان شدم
- (۵) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست آن شاخ که سر بر کشد و میوه نیارد

۳۱۴ مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) شوم نشانه‌ی تیر قضا بدان امید
- (۲) عشق توقضای آسمانیست
- (۳) کشتی تدبیر ما طوفانی حکم قضاست
- (۴) هم قضای آسمانی از تو در هجرم فکند

۳۱۵ ◀ کدام گزینه با شعر زیر تناسب بیش تری دارد؟

«خجسته باد نام خداوند / نیکوترین آفریدگاران / که تو را آفرید»

- ۱) در صنع تو کامد از عدد بیش
- ۲) ترتیب جهان چنان که بایست
- ۳) ای هر چه رمیده و آرمیده
- ۴) در عالم عالم آفریدن

(گزینه‌ی دو- ۹۵)

عاجز شده عقل علت‌اندیش
کردی به مثابتی که شایست
در کن فیکون تو آفریده
به زین نتوان رقم کشیدن

(گزینه‌ی دو- ۹۵)

لحظه لحظه جای دیگر پا نهاد
جان ما در بوت‌های سودا نهاد
هر کجا جا دید، رخت آن‌جا نهاد
فتنه‌ای در پیرو و در برنا نهاد
جنبشی در آدم و حوا نهاد

۳) ج، د، ه ۴) ب، ج، ه

۳۱۶ ◀ کدام سه بیت با یکدیگر تناسب معنایی دارند؟

- الف) دم به دم در هر لباسی رخ نمود
 - ب) عشق، شوری در نهاد ما نهاد
 - ج) چون نبود او را معین خانه‌ای
 - د) یک کرشمه کرد با خود، آن چنانک
 - ه) از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت
- ۱) الف، ج، د ۲) ب، د، ه

(قلم‌چی- ۹۵)

جان برون آید و نیاید راز
که رازگوی دل من همین نگاه من است
در هر که هر چه باشد رفتار می‌نماید
بر خصم کنم راز دل خویش پدیدار
ور درون تو خوب، گفتت خوب

۳) الف، ب، د ۴) الف، ج، د

۳۱۷ ◀ ابیات کدام گزینه مفهوم مشترک دارند؟

- الف) از تن دوست در سرای مجاز
 - ب) به پیش غیر چه پرسی ز حال پنهانم
 - ج) در پیش ما فتاده مستی و هوشیاری
 - د) چون نیست دلم شاد به دیدار دلارام
 - ه) گر درونست بد است گفتت بد
- ۱) ب، د، ه ۲) ب، ج، ه

(قلم‌چی- ۹۵)

که هر که را تو بگیری ز خویشان برهانی
عشقت عنان گرفته برون می‌کشد مرا
اختیاری نیست در قطع مراحل، عشق را
زهره‌ی گفتار نه، کاین چه سبب وان چراست

۳۱۸ ◀ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) به پای خویشان آیند عاشقان به کمندت
- ۲) هر جا که می‌گریزم از این فتنه، ناگهان
- ۳) جذبه‌ی دریا ندارد سیل را دست از عنان
- ۴) دلشده‌ی پای‌بند، گردن جان در کمند

(قلم‌چی- ۹۵)

مستی از عشق نکو باشد و بی‌خویشتی
گرچه رسواییم یا رب نی تو رسوا کرده‌ای
بار سنگین امانت را که گردون برنتافت
ریخت می بر خاک چون در جام گنجیدن نداشت

۳۱۹ ◀ مفهوم ابیات هم‌ی گزینه‌ها به‌استثنای گزینه‌ی یکسان است.

- ۱) مست بی‌خویشتن از خمر ظلم است و جهول
- ۲) ما ظلومیم و جهول از احتمال بار بار
- ۳) دژه‌ی ناچیز ما بر گردن همت گرفت
- ۴) برد آدم از امانت هر چه گردون برنتافت

(نشانه برتر- ۹۵)

عبارت «اصیبت امیراً و امسیبت اسیراً» با کدام بیت متناسب است؟
که سلطان و درویش بینی یکی
با سعد گشت غم و اندوه با طرب
که زشت و خوب و بد و نیک بر گذر دیدم
همه خونابه‌ی حسرت شده است آن دوست‌کامی‌ها

۳۲۰ ◀ عبارت «اصیبت امیراً و امسیبت اسیراً» با کدام بیت متناسب است؟

- ۱) قناعت کن ای نفس بر اندکی
- ۲) بر رغم روزگار به توفیق کردگار
- ۳) ز روزگار و جهانم همین پسند آمد
- ۴) زمانه شکل دیگر گشت و رفت آن مهربانی‌ها

(نشانه برتر- ۹۵)

که هر کس آن درود از جهان که می‌کارد
از رنگ چهره حال مرا می‌توان شنید
راز عشق از دل تراوش گر کند، معذوردار
در هر که هر چه باشد، رفتار می‌نماید

۳۲۱ ◀ مفهوم کدام گزینه متفاوت با دیگر گزینه‌هاست؟

- ۱) تو برخلاف بدان تخم نیکنمای کار
- ۲) برگ خزان رسیده، بود ترجمان باغ
- ۳) نیست در دست سبوی من عنان اختیار
- ۴) در پیش ما فتاده‌ست مستی و هوشیاری

(نشانه برتر - ۹۵)

به خواب عافیت آن‌گه به بوی موی تو باشم
که بر خاکم روان گردی، بگیرد دامتت گردم
گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست
چو عاشق تو شدم قصه واژگون کردی
نوبت به تو خود نیامدی از دگران
دیوار موج را نتوان تکیه‌گاه کرد
اگر رحمی کنی بر خوشه‌چینی
در خرمن شرک خوشه‌چینی، ای دل!

(نشانه برتر - ۹۵)

گیتی و فلک به کشتن من یارند
حاجی طلبد کعبه و ما معتکف دل
سودای عشق پختن، عقلم نمی‌پسندد
بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود

(گزینه دو - ۹۵)

که بر خوشه‌چین سر گران می‌کند
آینه عیب‌پوش سکندر نمی‌شود
که سلطان و درویش بینی یکی
به شکرانه بار ضعیفان بکش
از آن، می‌نگنجد در آن کین کس
(۳ الف، ج، د) (۴ الف، ب، د)

(سراسری ریاضی - ۹۵)

باز آمد و اکنون خبر از خویش ندارد
از میان جمله او دارد خبر
چاره زان جوی که کرده است چنین بيمارت
دیگر به من زار که آرد خبر تو؟

۳۲۶ ◀ **ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس معروف، در غزلواره‌ی «ترانه‌ی من» که به فارسی ترجمه شده است؛ می‌گوید: «خسوف‌های کژخیم شکوهش را به ستیز برمی‌خیزند.» یعنی:**

(سراسری ریاضی - ۹۵)

(۱) حوادث ناگوار، شکوه جوانی را تهدید می‌کنند.
(۲) گذر زمان، هدیه‌های دوران کودکی را تباه می‌سازند.
(۳) خورشید گرفتگی، سبب افزایش تیرگی‌های زندگی می‌شود.
(۴) لحظه به لحظه بدی‌ها و ناراحتی‌ها جای شکوه تولد را پُر می‌کنند.

(سراسری ریاضی - ۹۵)

آن‌جا به رگم باد صبا می‌فرستمت»
به از راستی کت مشوش کند
حدیث باد صبا هست سر به سر همه باد
گاه با باد شمال و گاه با باد صبا
در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت

۳۲۲ ◀ **در کدام دو بیت مفهوم یکسان دیده نمی‌شود؟**

(۱) به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم
ندارم دستت از دامن به جز در خاک و آن دم هم
(۲) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر
همه حدیث وفا و وصال می‌گفتی
(۳) در طبع جهان اگر وفایی بودی
یک ذره اعتماد نشاید به جاه کرد
(۴) ثوابت باشد ای دارای خرمن
تا بر ره خلق می‌نشینی، ای دل!

۳۲۳ ◀ **در کدام گزینه دو مصراع تناسب معنایی ندارند؟**

(۱) غمخوارم و اختر است خونخوارم
(۲) برو طرف دلی کن که کعبه‌ی مخفی است
(۳) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را
(۴) مصلحت توسست زبان زیر کام

۳۲۴ ◀ **مفاهیم «درویش‌نوازی - قناعت» در کدام گزینه‌ها دیده می‌شود؟**

(الف) خداوند خرمن زیان می‌کند
(ب) روشن‌دلان خوش آمد شاهان نگفته‌اند
(ج) قناعت کن ای نفس بر اندکی
(د) چو خود را قوی‌حال بینی و خوش
(ه) دلم خانه‌ی مهر یار است و بس
(۱) ه، ب، ج (۲) ب، د، الف

۳۲۵ ◀ **مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟**

(۱) قاصد ز برم رفت که آرد خبر از یار
(۲) آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
(۳) خبر از درد ندارند طیبیان زنه‌ار
(۴) قاصد که ترا دید ندارد خبر از خود

۳۲۶ ◀ **ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس معروف، در غزلواره‌ی «ترانه‌ی من» که به فارسی**

ترجمه شده است؛ می‌گوید: «خسوف‌های کژخیم شکوهش را به ستیز برمی‌خیزند.» یعنی:

(سراسری ریاضی - ۹۵)

(۱) حوادث ناگوار، شکوه جوانی را تهدید می‌کنند.
(۲) گذر زمان، هدیه‌های دوران کودکی را تباه می‌سازند.
(۳) خورشید گرفتگی، سبب افزایش تیرگی‌های زندگی می‌شود.
(۴) لحظه به لحظه بدی‌ها و ناراحتی‌ها جای شکوه تولد را پُر می‌کنند.

۳۲۷ ◀ **بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟**

«باد صبا دروغ‌زن است و تو راست‌گوی
(۱) دروغی که حال دلت خوش کند
(۲) ز باد حال تو می‌پرسم و چو می‌بینم
(۳) بر طریق راست رو چون باد گردنده مباش
(۴) هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر

۳۲۸ ◀ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

- ۱) امروز که عهد توسست نیکویی کن
- ۲) امروز در قلمرو دل دست دست توسست
- ۳) درباب کنون که نعمتت هست به دست
- ۴) امروز که بازاریت پر جوش خریدار است

۳۲۹ ▶ بیت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- «یا ساریان بگویند احوال آب چشمم
 ۱) آب در دیده‌ی من بیش شد از سوز جگر
 ۲) با خیالت خواب در چشم نمی‌گیرد قرار
 ۳) در عشق تو بر دل رقم صبر کشیدن
 ۴) شست آب زندگی از چهره‌اش گرد سفر

(سراسری تجربی - ۹۵)

کاین ده همه وقت از آن دهقانی نیست
 خواهی عمارتش کن و خواهی خراب کن
 کاین دولت و مُلک می‌رود دست به دست
 درباب و بنه گنجی از مایه‌ی نیکویی

(سراسری تجربی - ۹۵)

تا برشتر نبندد محمل به روز باران»
 آب دریا چه خیال است کم از جوش شود
 خواب می‌داند که راه سیل جای خواب نیست
 چون خشت زدن بر زبر آب روان است
 هر که دیوار یتیمی را چو خضر آباد کرد

۳۳۰ ▶ مفهوم بیت «نمیزم از این پس که من زنده‌ام / که تخم سخن را پراکنده‌ام» در کدام بخش از

(سراسری تجربی - ۹۵)

- غزلواره‌ی شکسپیر آمده است؟
 ۱) آری زمان، فزه جوانی را می‌پژمرد / بر ابروان زیبا شیارهای موازی درمی‌افکند.
 ۲) دقیقه‌ها به یک‌دیگر جای می‌سپارند / و در کشاکشی پیاپی از هم پیشی می‌جویند.
 ۳) همانند امواج که به شنزار ساحل راه می‌جویند / دقائق عمر ما نیز به سوی فرجام خویش می‌شتابند.
 ۴) از گزند داس دروگر وقت، هیچ روینده را زنهار نیست / مگر ترانه‌ی من که در روزگار نامده بر جای می‌ماند.

۳۳۱ ▶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) جهان چون عروسی رسیده جوان
- ۲) دنیا به سوی من مثل بی‌وفا زنی است
- ۳) بر جهان دل منه از مهر و مشو زان دل شاد
- ۴) مخور فریب جهان کاین نه کار هشیار است

(سراسری زبان - ۹۵)

پر از چشمه و باغ و آب روان
 نه شاد باش ازو نه غمی شو ز فرقتش
 کاین عروسی است که کشته است هزاران داماد
 که این عجزوه به هر روز با کسی یار است

۳۳۲ ▶ بیت زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- «بشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق
 ۱) شکسته متاعی که در دست توسست
 ۲) با شکست کز او کارها درست شود
 ۳) شکسته بال تر از من میان مرغان نیست
 ۴) ساقیا برگ طرب‌ساز که از بلبل و گل

(سراسری زبان - ۹۵)

این ساز، شکسته‌اش خوش آهنگ‌تر است»
 از آن به که در دست دشمن درست
 کلید رزق گدا پای لنگ و دست شل است
 دلم خوش است که نامم کبوتر حرم است
 کار و بار چمن امروز به برگ است و به ساز

۳۳۳ ▶ مفهوم کلی بیت زیر، با کدام بیت تناسب دارد؟

- «بر همه اهل این زمین به مراد
 ۱) عشق گنجینه‌ی اسرار الهی باشد
 ۲) خلق گفتند که از کوچی معشوق نرو
 ۳) عشق آسان ز نخست است ولی دشوار است
 ۴) در ره عشق بتان دست ز جان باید شست

(سراسری زبان - ۹۵)

گردش دور آسمان بینی»
 گر بدین گنج رسی، هرچه تو خواهی، باشد
 گر رود سر، من از این کوچه گذر خواهم کرد
 مشکل افتد چو کسی سهل گرفت آسان را
 طی این وادی پرخوف و خطر باید کرد

۳۳۴ ▶ بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «دل هر ذره را که بشکافی
 ۱) ز آفتاب بود روشناییم چون لعل
 ۲) چون لعل اگر چه در جگر سنگ خارام
 ۳) آن که رأی خرده دانش گر نماید اهتمام
 ۴) گر چه حسن او ننگجد در زمین و آسمان

(سراسری هنر - ۹۵)

آفتابیش در میان بینی»
 نمی‌توان به نفس ساختن خموس مرا
 از نور آفتاب مدد می‌رسد مرا
 ذره خرد از بزرگی آفتاب آسا شود
 دیده‌ی هر ذره‌ای آینه‌دار حسن اوست

(سراسری هنر - ۹۵)

که امیدت زند گه‌گه بر او آب»
امید به کردگار می‌باید داشت
برآمدی و سر آمد شبان‌ظلمانی
در گوهر آدم بود این گوهر نایاب
امید هست که خارم ز پای هم به در آید

(سراسری هنر - ۹۵)

از میان جمله او دارد خبر»
ز خویش بی‌خبرم لیک از او خبر دارم
از ماتم همسایه در این خانه خبر نیست
تا واقف از این نکته شود بی‌خبری چند
که زلف و کاکل و چشم تو در نظر دارد

(خارج از کشور - ۹۵)

کنی تیمار صدساله فراموش»
بپرسید از غم و تیمار راهش
گهر آن دل که می‌باشد گره در حسرت مویی
دانه نکشت کاهل و دخل انتظار کرد
نشاط باده به دردمر خمار نیرزد

۳۳۵ مفهوم بیت زیر با کدام بیت متناسب است؟
«نسوزد جان من یک باره در تاب
(۱) از پیش کسی کار کسی نگشاید
(۲) تو بودی آن دم صبح امید کز سر مهر
(۳) امید وفا دارم و هیهات که امروز
(۴) گلم ز دست به در برد روزگار مخالف

مفهوم عبارت «غرض من آن است که تاریخ پایه‌ای بنویسم و بنای بزرگی افراشته گردانم چنان که ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند» با کدام بیت مطابقت معنایی دارد؟ (خارج از کشور - ۹۵)

(خارج از کشور - ۹۵)

که از باد و باران نیاید گزند
کنون نو شود روزگار کهن
فراوان بدو اندرون داستان
به رنگ فسون و بهانه‌مدان

۳۳۶ بیت زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

«آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
(۱) به سوی او روم آن دم که می‌روم از خود
(۲) چشمت غم آن زلف سیه روز ندارد
(۳) مست آمدم از میکده‌ی عشق تو بیرون
(۴) کسی ز فتنه‌ی آخر زمان خبر دارد

۳۳۷ بیت زیر، با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

«اگر یک روز با دلبر خوری نوش
(۱) ثناها کرد بر روی چو ماهش
(۲) خوشا چشمی که دارد انتظار دیدن رویی
(۳) هر کاو عمل نکرد و عنایت امید داشت
(۴) امید وصل به اندوه انتظار نیرزد

(سراسری ریاضی - ۹۴)

مفهوم عبارت «غرض من آن است که تاریخ پایه‌ای بنویسم و بنای بزرگی افراشته گردانم چنان که ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند» با کدام بیت مطابقت معنایی دارد؟ (خارج از کشور - ۹۵)

(۱) برافکندم از نظم کاخی بلند
(۲) بدانستم آمد زمان سخن
(۳) یکی نامه بود از گه باستان
(۴) تو این را دروغ و فسانه‌مدان

۳۳۸ مفهوم بیت زیر، با کدام بیت تناسب ندارد؟

«بی سروپا گدای آن‌جا را
(۱) بر بساط بوریا سیر دو عالم می‌کنیم
(۲) مبین حقیر گدایان عشق را کاین قوم
(۳) شاه را از رعیت است اسباب
(۴) من همان دم که وضو ساختم از چشمه‌ی عشق

۳۴۰ کدام دو بیت تماماً با مفهوم «شکر نعمت نعمت

الف) شکر به جای آر که مهمان تو
ب) شکر باشد کلید گنج مزید
ج) شکر کن مر شاکران را بنده باش
د) سجده‌ی شکر تو مرا داد دست
(۱) الف - ب (۲) الف - ج (۳) ب - د (۴) ب - ج

۳۴۱ کدام بیت با بیت: «دل هر ذره را که بشکافی / آفتابیش در میان بینی» قرابت معنایی دارد؟

(۱) چو خورشید جملالت جلوه‌گر شد
(۲) هزار ذره اگر کم شود ز روی هوا
(۳) این شرح بی‌نهایت کز زلف یار گفتند
(۴) از دام زلف و دانه‌ی خال تو در جهان

۳۴۲ ◀ بیت: «خیمه‌ی انس مزن بر در این کهنه رباط / که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

(سراسری ریاضی - ۹۴)

هیچ مکروه این قدر در دیده‌ها مرغوب نیست
ما دل خود را به راه عشق بر دریا زدیم
چند روزی بهر ویرانی مرا آباد داشت
دلستگی به خار و خس آشیانه چیست؟

۱) با همه زشتی ز دنیا چشم بستن مشکل است
۲) رهروان عقل ساحل را به جان دل بسته‌اند
۳) سازگاری چرخ را با من نبود از راه لطف
۴) در گلشنی که خرمن گل می‌رود به باد

۳۴۳ ◀ مفهوم بیت: «هاتف آن روز به من مژده‌ی این دولت داد / که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند» با کدام بیت تناسب دارد؟

(سراسری تجربی - ۹۴)

وین نفس حریص را شکر می‌باید
آری شود ولیک به خون جگر شود
بد عهدی زمانه امانم نمی‌دهد
صبر و آرام تواند به من مسکین داد

۱) دردا که طیب صبر می‌فرماید
۲) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
۳) شکر به صبر دست دهد عاقبت ولی
۴) آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد

۳۴۴ ◀ کدام بیت با عبارت «دوستت دارم، از این رو مکافات می‌کنم» تناسب مفهومی دارد؟

(سراسری تجربی - ۹۴)

محب از سر نیفشاند بخیل است
بشکست عهد وز غم ما هیچ غم نداشت
تا روی درین منزل ویرانه نهادیم
اول به در خانه‌ی آباد من آمد

۱) حبیب آنجا که دستی برفشاند
۲) دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت
۳) سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد
۴) هر سیل که برخاست ز کهسار محبت

۳۴۵ ◀ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

(سراسری تجربی - ۹۴)

جان محیط بر لب ساحل رسیده است
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
تا ریشه‌ام به اشک ندامت رسیده است
تا میوه‌ی وجود تو کامل رسیده است

۱) تا گوهر وجود تو را نقش بسته است
۲) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
۳) یک عمر غوطه در جگر خاک خورده‌ام
۴) صد پیرهن عرق گل خورشید کرده است

۳۴۶ ◀ کدام بیت، مفهوم بیت «هر کسی را سیرتی بنهادام / هر کسی را اصطلاحی داده‌ام» را کامل می‌کند؟

(سراسری زبان - ۹۴)

سر به سر فکر و عبارت را بسوز
در حق او شهاد و در حق تو سم
این چه می‌گویم نه احوال من است
هم بر آن تصویر، حشرت واجب است

۱) آنشی از عشق در جان برفروز
۲) در حق او مدح و در حق تو دم
۳) حال من اکنون برون از گفتن است
۴) سیرتی کان بر وجودت غالب است

۳۴۷ ◀ بیت: «شمع جویی و آفتاب بلند / روز بس روشن و تو در شب تار» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

(سراسری زبان - ۹۴)

که به روی او نیفتاد نگاه واپسینم
و از تو جهان پُر است و جهان از تو بی‌خبر
آنچ از جهان فزون است اندر جهان درآرش
با رخ چون آفتاب سایه نماید نگار

۱) رخ دوست را ندیدم دم رفتن ای دریغا
۲) ای در درون جانم و جان از تو بی‌خبر
۳) روی تو جان جان است از جان نهان مدارش
۴) پرده‌ی خوش آن بود کز پس آن پرده‌دار

۳۴۸ ◀ مفهوم کنایی عبارت: «از ماست که بر ماست» با کدام بیت، متناسب است؟ (سراسری زبان - ۹۴)

دیده‌ی هر کس که چون طاووس دنبال خود است
بهری طاووس از پا بیش از بال خود است
دیو چون یوسف در این‌جا محو دیدار خود است
هر که را دیدیم در آرایش روی خود است

۱) می‌کند در راه خود دام گرفتاری به خاک
۲) کاملان از عیب خود بیش از هنر یابند فیض
۳) پرتو حسن ازل افتاده بر دیوار و در
۴) هیچ فردی در پی اصلاح خوی خویش نیست

۳۴۹ ◀ مفهوم بیت «دست درکش کرد با آتش به هم / خویشتن گم کرد با او خوش به هم» از کدام بیت استنباط می‌شود؟

(سراسری هنر - ۹۴)

- ۱) می‌توان رفتن به پای علم بر بام خرد
- ۲) ما شعله‌ی شوق تو به صد حیلۀ نشانیدیم
- ۳) چهره نتوانست شد با روی آشناک یار
- ۴) نیست پروای اجل فرهاد شیرین کار را

۳۵۰ ◀ بیت «یار بی پرده از در و دیوار / در تجلی است یا اولی الابصار» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

(سراسری هنر - ۹۴)

- ۱) ای خدا ای هم تو پیدا و نهان
- ۲) تو نقشی نقش‌بندان را چه دانی
- ۳) دی تماشا رفته بودم جانب صحرای دل
- ۴) به جست و جوی وصالش چو آب می‌پزیم

۳۵۱ ◀ با توجه به مفهوم ابیات زیر، دیدگاه اسفندیار در مورد ارزش‌های اصیل و پایدار حیات ایرانیان چیست؟

(سراسری انسانی - ۹۴)

«مبادا چنین هرگز آیین من سزا نیست این کار در دین من
که ایرانیان را به کشتن دهم خود اندر جهان تاج بر سر نهم»

۱) در دین و آیین ایرانیان، حفظ تاج و تخت پادشاهی مهم‌ترین اصل است.

۲) زندگی مردم ایران مهم‌تر از رسیدن به سلطنت یا حفظ آن است.

۳) دستیابی به تاج شاهی به قیمت جان مردم ایران، سزاوار است.

۴) شایسته است که مردم ایران برای حفظ سلطنت بکوشند.

۳۵۲ ◀ کدام بیت با آیه‌ی: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» تناسب مفهومی ندارد؟ (سراسری خارج از کشور - ۹۴)

- ۱) هر یکی بینا شود بر قدر خویش
- ۲) جهد کن تا پیر عقل و دین شوی
- ۳) در جهان هر چیز چیزی می‌کشد
- ۴) سیر هرکس تا کمال وی بود

۳۵۳ ◀ بیت: «آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر / از میان جمله دارد او خبر»، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

(سراسری خارج از کشور - ۹۴)

- ۱) در دل شب خبر از عالم جانم کردند
- ۲) ای عشق شوخ بوالعجب آورده جان را در طرب
- ۳) اگر از خویش نباشد خبرم نیست غریب
- ۴) سوی ما از یار ما با آن که می‌آید خبر

۳۵۴ ◀ مفهوم کلی بیت: «بی‌سر و پا گدای آنجا را / سر ز ملک جهان گران بینی» با کدام بیت، تناسب دارد؟

(سراسری خارج از کشور - ۹۴)

- ۱) ترک دیوی کنی ملک باشی
- ۲) گدا را چو حاصل شود نان شام
- ۳) قومی که خشت مکیده بالین نموده‌اند
- ۴) جمال در نظر و شوق هم‌چنان باقی

- ۱) ز شرف برتر از فلک باشی
- ۲) چنان شاد خسید که سلطان شام
- ۳) باور مکن که حسرت اورنگ می‌خورند
- ۴) گدا اگر همه عالم بدو دهند گداست